

DEADPOOL

MERC WITH A MOUTH

MARVEL
VARIANT
EDITION
9

VICTOR GISCHLER
BONG DAZO

دِدپول - پول پرست وراج

مترجم و ویراستار
احمد کلاتیانی



COMIC-CITY.IR

DIRECT EDITION



\$3.99 US

00121

PARENTAL ADVISORY

WWW.MARVEL.COM



پول پرستِ موردِ علاقمون یعنی ددپول تو یه دنیایی که توسط زامبیا اشغال شده، گیر افتاده و همه میخوان که اون و دوستاش رو بخورن!



ددپول قصد داره کله ی زامبی شده ی ناتوان خودش رو (که البته هنوز هم زیاد ور میزنه) که سازمان شیطانی ای.ای.ام میخواد ازش به عنوان یه سلاح استفاده کنه، برگردونه به این دنیا. نیروهای ای.ای.ام ددپول رو تعقیب کردن و اومدن به دنیای زامبیا، و الان دروازه ی بازگشت بسته شده!



خوشبختانه ددپول، هم تیمیش دکتر بتی و مامور غرغروی سابق ای.ای.ام، بیل، نیروی کمکی پیدا کردن. بازمانده های این دنیای زامبی شده، ددپول اینا رو از خورده شدن نجات دادن و بردنشون به پناهگاه امن خودشون ...

COMIC-CITY.IR

Writer
VICTOR GISCHLER

Colors
MATT MILLA

Production
TAYLOR ESPOSITO

Editor in Chief
JOE QUESADA

Pencils
BONG DAZO

Letters
JEFF ECKLEBERRY

Asst. Editor
SEBASTIAN GIRNER

Publisher
DAN BUCKLEY

Inks
JOSE PIMENTEL

Cover
ARTHUR SUYDAM

Editor
AXEL ALONSO

Exec. Producer
ALAN FINE



ای بابا، همه
کارا رو که خودم
نمیتونم انجام بدم.
جادوی محافظتی رو بزن!
بزن!



همممم اهممم
مهممم اهممم.

وای نه!
من شصت ندارم، نمیتونم
X سریع بزنم! خودتو با
برنامه وفق بده
کوئوله!



PTOOEY!

خوب دیگه
کافیه! تا کی قراره بشینیم
تو این مخفیگاه مسخره ی
دانشگاهی و این بازی رو بریم و
غذاهای مونده بخوریم؟ یه هفته
شده و من دیگه دارم
دیونه میشم.

COMIC-CITY.IR



هی هی هی!
منم دارم چیزایی که
دوست ندارم میخورم!



آره آره، پاشو برو
آقای پادار! خودتم میدونی که
حق با منه. ما باید برگردیم به
بازی رفیق!

بسه دیگه
زر زرو. من میرم به
چند نفر دیگه رو پیدا کنم
باهاشون بگردم که گند
نزنن به اوقات
فراغتم.

و البته گشتم هم
هست.

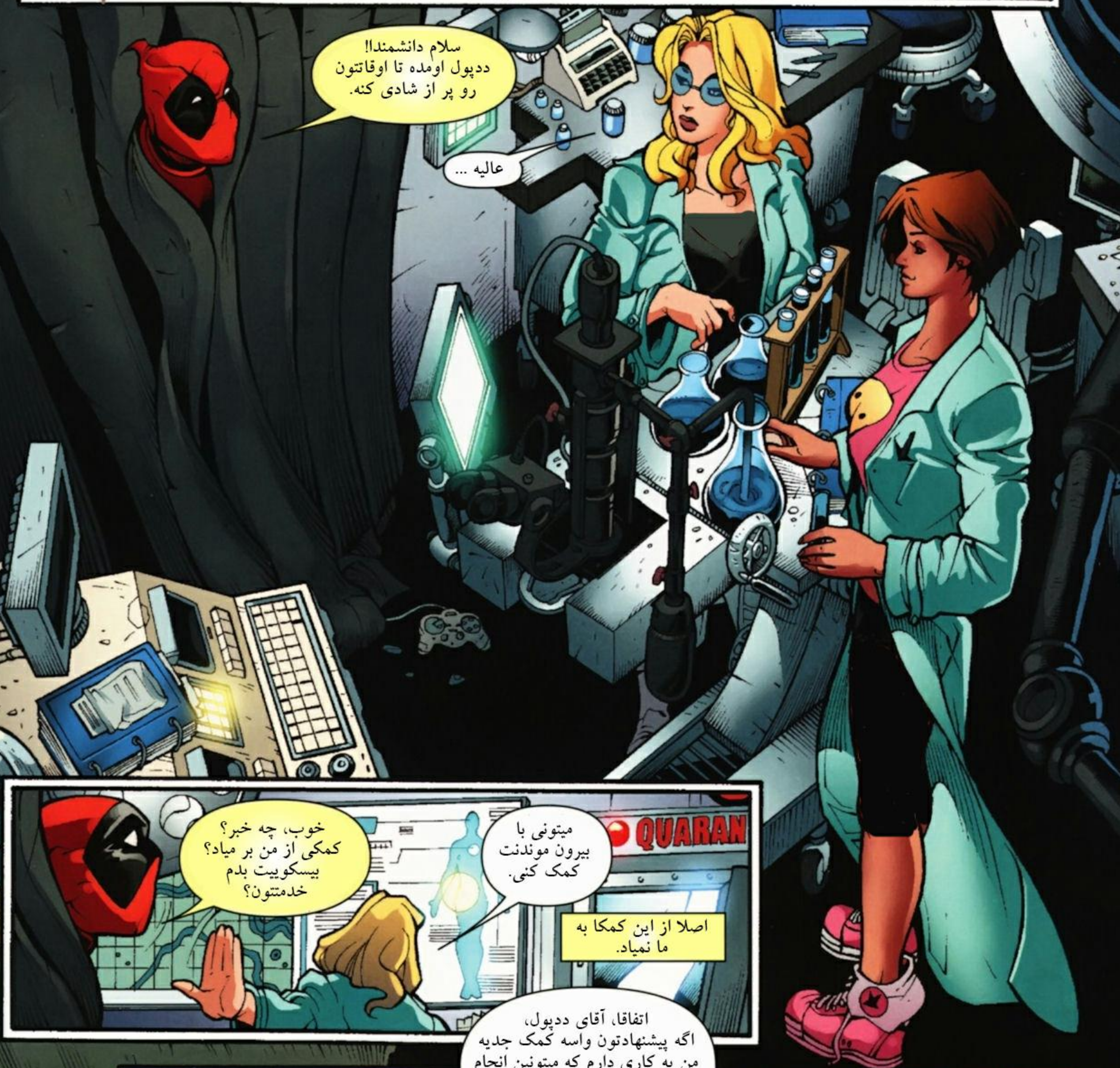


میدونی، راست میگه. اینجا
داره خیلی خسته کننده میشه.
دکتر بتی هم که نشسته داره رو
سرم تحقیق میکنه. حتی بیل هم
یه کاری پیدا کرده که انجام
بده. وقتشه ما هم مهارتای دیوانه
وارمون رو به کار ببریم.

البته اینم هست که دکتر
بتی احتمالا دلش واسه
تیرپ گوگولیمون تنگ
شده. مطمئنم یه سر بهش
بزنیم کلی ذوق کنه.

سلام دانشمندا!!
ددپول اومده تا اوقاتتون
رو پر از شادی کنه.

عالیه ...



خوب، چه خبر؟
کمکی از من بر میاد؟
بیسکویت بدم
خدمتتون؟

میتونی با
بیرون موندنت
کمک کنی.

اصلا از این کمکا به
ما نمیاد.

اتفاقا، آقای ددپول،
اگه پیشنهادتون واسه کمک جدیه
من یه کاری دارم که میتونین انجام
بدین. تا الان نپرسیده بودم چون
تقریبا میشه گفت کمی
خطرناکه.



کمی خطرناکه؟ به شدت خطرناکش کن که حداقل تو جهم رو جلب کنی.



آره، الکی مثلاً همین الانش هم تو جهمون رو جلب نکرده.

خیلی جدی نگیر پروسور، اول و آخرش دنبال میاد.



خیلی به اون دختره ی اخمالو اهمیت نده.

هو!



ما فکر میکنیم که به سرم نزدیک شده باشیم، ولی به سری تئوری های جالب راجع به ویروس زامبیا داریم. به نظر میاد که ویروس ترجیح میده شما قهرمانا میزبانش باشیم، احتمالاً سلیقش اینطوره.

به هر حال، خلاصه اینکه، نیاز داریم تا به قهرمان و بگیریم و ویروس و امتحان کنیم. مطمئنم که متوجه خطرش میشی.

ولی مطمئنم به موجودی مثل تو حتی تو همچنین مسئله ای پلک هم نمیزنه. شاید حتی بتونم به جایزه واست در نظر بگیرم که توجهت رو بیشتر جلب کنه.



وقتی به مدت
طولانی با یه عده دانشجویی
یه جا زندانی شدم، وقتی یه مرد
واقعی میاد توجه جلب میشه. به
هر حال منم دخترم، احساسات
دارم.



باشه باشه!
اصلا به من ربطی نداره
قضیه.

اصلا وقتی به اون
زخمای رو بدنش فکر میکنم
دلم میخواد بلندش کنم
و ...

خیلی خوب!



باید اعتراف کنم که
برخلاف همه کاراش و عجیب
بودنش، یه مزدور شایسته است.
یه چند باری سورپرازم کرده، فکر
کنم واقعا یه حرفه ای
باشه.

به نظرت ددپول واقعا میتونه
بدونه از اون قهرامانا روو بگیره که
بتونیم آزمایش کنیم؟



چیزه، ددپول
میگه آگه نقشش بخواد
کار کنه، یه تور ماهی
گیریه گنده و یه اسپری
که بوی گند جنازه بده
نیاز داره.

چرا هر نقشه ای که
ما میچنینم یه جورایی ...
غیر عادیه؟

خلاقانه! کلمه ای که دنبالش
خلاقانه است.

فقط نگرانم که بزارم کوتوله همه
حرفارو بزنه. اون کله مثل کش شلوار میمونه.

زیادی نگرانی.

آها اون گوشه. دنباله همینا بودیم.

ددپول، رفیق ..
یکم امم ...
عوض شدی.

CM REKTO
AVENIDAST



چه خبرا دوستان؟
آره، یه سری تغییرات تو
لباسم ایجاد کردم. خیلی
شاخه، نه؟





نه، منظورم اینه که خیلی داغون شدی.



آره، بعد اون نبردی که با گلکتوس داشتیم خیلی اوضاعم بهم ریخت. کلا امم ... قد کشیدم. اونجا نبودین ببینین چیکارا میکردم که.

خوب، کسی آدمی چیزی ندیده اینورا؟ من دارم میمیرم از گشنگی.



نه بابا. فکر کردی اگه میدونستم کجا میشه یه چندتا آدم آبدار پیدا کرد، اینجا لم میدادم؟ وای اصلا فکر گاز زدن یه آدم نرم هم معرکست.

پسه دیگه انقدر نگو! من دارم میمیرم از گشنگی!



شنیدم که چندتا آدم تو جرسی قایم شدن، ولی نتونستم پیداشون کنم. انگار که کل سیاره از آدم خالی شده.

من انگشت دوست دارم. مثل چیپس میمونه.

میتونیم به کوتوله اعتماد کنیم که درست کارش و انجام بده؟ فکر میکنی میدونه کدوم و باید بگیره؟

ریلکس باش، حرفه ایه! خودمونه ها!

پیست، رفیق. اگه خیلی
گشته، سه دقیقه وایسا و
دنبال من بیا.

خوب دوستان،
بعدا میبینتون. فعلا میرم
یه گشتی بزنم، باید حتما
یکی یه جا هست که بشه
خوردش.

سه
دقیقه
بعد ...

خوب دیگه، منم
برم.

یه قدمی بزنم
پاهام باز شه.

کجا
بری؟

این احمق
داره کجا
میره؟

کی اهمیت میده؟
این یارو اصلا هیچوقت
جز ماها نبود. به درد
نمیخوره یارو.

شک دارم ...

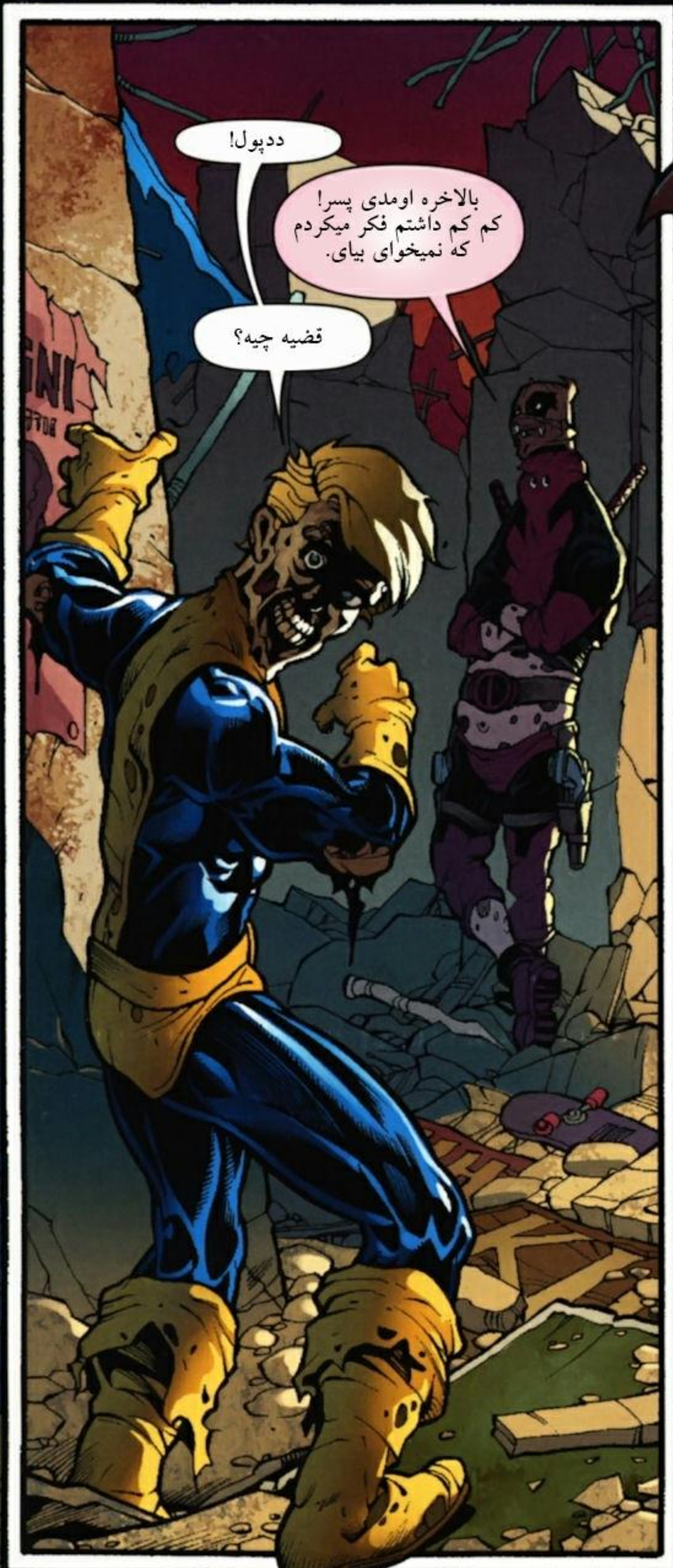


گوشت تازه پسر!
گوشت صورتی خوشمزه ی
گرم تازه!



نکته خویبه.
جدی؟ غذا؟ ای جونم.
ولی چرا اینطوری یواشکی؟

یه کم فکر کن پسر. اونایی که باهاشون نشسته بودی یکم زیادی قلدرن. پرت میکردن یه طرف و خودشون همه ی گوشت و واسه خودشون نگه میداشتن.



ددپول!
بالاخره اومدی پسر!
کم کم داشتم فکر میکردم که نمیخواهی بیای.
قضیه چیه؟



درضمن، اونا پشت یه در با قفل رمزی قایم شدن. اونجا تو باید بیای وسط. میتونی رمزش و باز کنی. تنها کاری که باید بکنی اینه که بیای دنبال من.

وای پسر، انقدر میخورم تا بترکم. برو ددپول، پشت سرتم.



اول یه پاچه
میخورم، بعد یه مغز، بعدش
هم یه کاسه سیرابی. اوه پسر
از الان مزه اش رو حس
میکنم.

حالا!



چی شده؟



ببندینش!
سریع!

عوضیا!
زنده زنده میخورمتون
انقدر جیغ یزنین تا لال
شین اشغالا!



کارتون خوب
بود پسرا. البته تور ماهیگیری
میخواستم، نه هر کوفتی که این
یکی هست. البته حالا هرچی، من
ادم سخنگیری نیستم. تو هم
همینطور تپلی، کارت
خوب بود.



چاکرم! جایزه ام
رو بهم بدین حالا.
حالا فراره با اینا
چیکار کنیم؟



هر غلطی که
میکنین سریع باشین. خوشم
نمیاد اینطوری این بیرون باشم.
خیر سرم یه غذای متحرکم اینجا!
بهم استرس میده.

خیلی خوب، از
اینجا بریم بیرون و با افتخار
برگردیم به مخفیگاه. تازه
اونجا آبمیوه هم
داریم.



بسته بندیش
آمادست، میتونیم
بریم بیرون.

بزارید فقط یه
گاز بزنم! یه انگشت! هر
دهتاش لازمتون نمیشه که!
یه شصت بهم بدین! تو
رو خدا!

حالمو بهم
میزنی.



با آبمیره
موافقم.

منم
پایم.



تازه یادت نره که پروفیسور ورونیکا حرف
از یه جایزه زدا!

ای جونم!



خوب خوب
... خوب



من هیچوقت از ماهی
گیری دست خالی بر
نمیگردم.

و آوردن این
موجود بدون کتک کاری
ریسک قضیه رو به حداقل
میرسونه. منظورم اینه که اون
کاملاً ضعیف و
بی دفاعه.

هووو!
دارم میشنوما!

کارت
خوب بود
پسر.



من میدونم از چی
خوشت میاد خوشتیپ.
میدونم به چی نیاز
داری!

خوب این
دیگه توهمه!

خیلی وقت
بود توهم نزده
بودیم، گفتم
شاید یدونش
بد نباشه.



حالا که یه موجود
آزمایشی تازه داریم، بهتره که
سریعتر آزمایشمونو انجام بدیم. فکر
کنم داریم به یه نتایجی
میرسیم.

اهم!
البته، کار قبل
از هرچیزه دیگه ای.



البته امیدوارم
که بعداً بتونم بیتمتون
آقای ددپول. البته
اگه علاقه ای بهش
داشته باشین؟

گفت اگه
علاقه ای داشته
باشین!

خودمون
میدونیم!



دارم بهتون
میگم، دیدم که سایفر
رو بردن اون
بالا.

آخه واسه
چی؟ چیکارش
دارن؟



نمیدونم و
اهمیتی هم نمیدم، فقط
میدونم که اون پایین یه
سری آدم زنده ی خوشمزه
قایم شدن. شما هم
پایه این یا
نه؟

معلومه که
هستم!

سوال داره؟ انقدر گشمنه که
سر راه یه گاز از مانکن تو مغازه
زدم!



خوب پس یه نقشه
میخوایم، من داشتم
فکر میکردم
که ...

امم ..

چه خبر
رفقا؟ سخت
مشغولینا!



یا سختتونه
مشغول شین؟



به، داش ددپول.
به نظر میاد که ... قدت
آب رفته!



چاکرم!
خیلی رو خودم
کار کردم!



به هر حال باید برم
من، بعدا تو مسیر میبینمتون.
دارم میرم پیش یکی سر قضیه
یه اسب حرف بزنم. جدی میگم،
قراره یه اسب
بخوریم.



بچه ها، راستش نباید
اینو بهتون بگم، ولی خوب اگه
نتونم به شما زامبی های خیابونی اعتماد
کنم، به کی میتونم؟ ها؟ فقط خواستم
بدونین که مشکلات خورد و خوراکتون به
لطف داداشتون حل شده. سه کلمه: دروازه ی
بین دنیایی. خوب دیگه من فقط
تو این موضوع همینو
میگم.



قضیه
چی؟؟؟

نظری
ندارم.



فکر نمیکنم نیازی
به عطر و ادکلن باشه،
همینطوریش هم
چشمش دنبالته.

ببین، هر بانویی که انقدر
خوششانس باشه که با
ددپول بچرخه، بهترین سفارش
رو میگیره.

تازه، اون اسپری
جنازه هم که زدیم
زیادی طبیعی بود.



درضمن من
خیلی خوششانس بودم که
این قرار رو دارم. درواقع اگه تو
دیکشنری دنبال "جذاب" بگردی، یه
عکس از منه که یه دیکشنری گرفتم
دستم و دارم به یه عکس
دیگه از خودم اشاره
میکنم.

صبر کن،
ها؟

ولش کن بزار
شاد باشه.

وقت
نمایشه!





کمی بعد ...

جناب ددپول؟
یه لحظه صبر کن
جناب ددپول.

الان نه بیل،
دارم حموم افتاب
میگیرم، خرابش
نکن.

حالا که تونستیم کله
رو برگردونیم به خوش و به
اینا کمک کردیم که یه قهرمان زامبی
رو بگیرن، داشتیم فکر میکردم که کی
روی خونه برنامه ی خونه رفتن
کار میکنیم.

اسکلی؟

هر روز صبح
صبحونه به اون ردیفی، کلی آبمیوه.
اکس باکس و پلی استیشن داریم، خوشگلترین
دختر دنیا هم که امروز خدمتم رسید. دنیای
کاملاً نابود شده ی زامبیا بهشته! من
هیچجا نمیرم!

وای...
خدا

شرمنده بیل.
خودت میدونی و
خودت.

ولی ... ولی ...
ولی ...



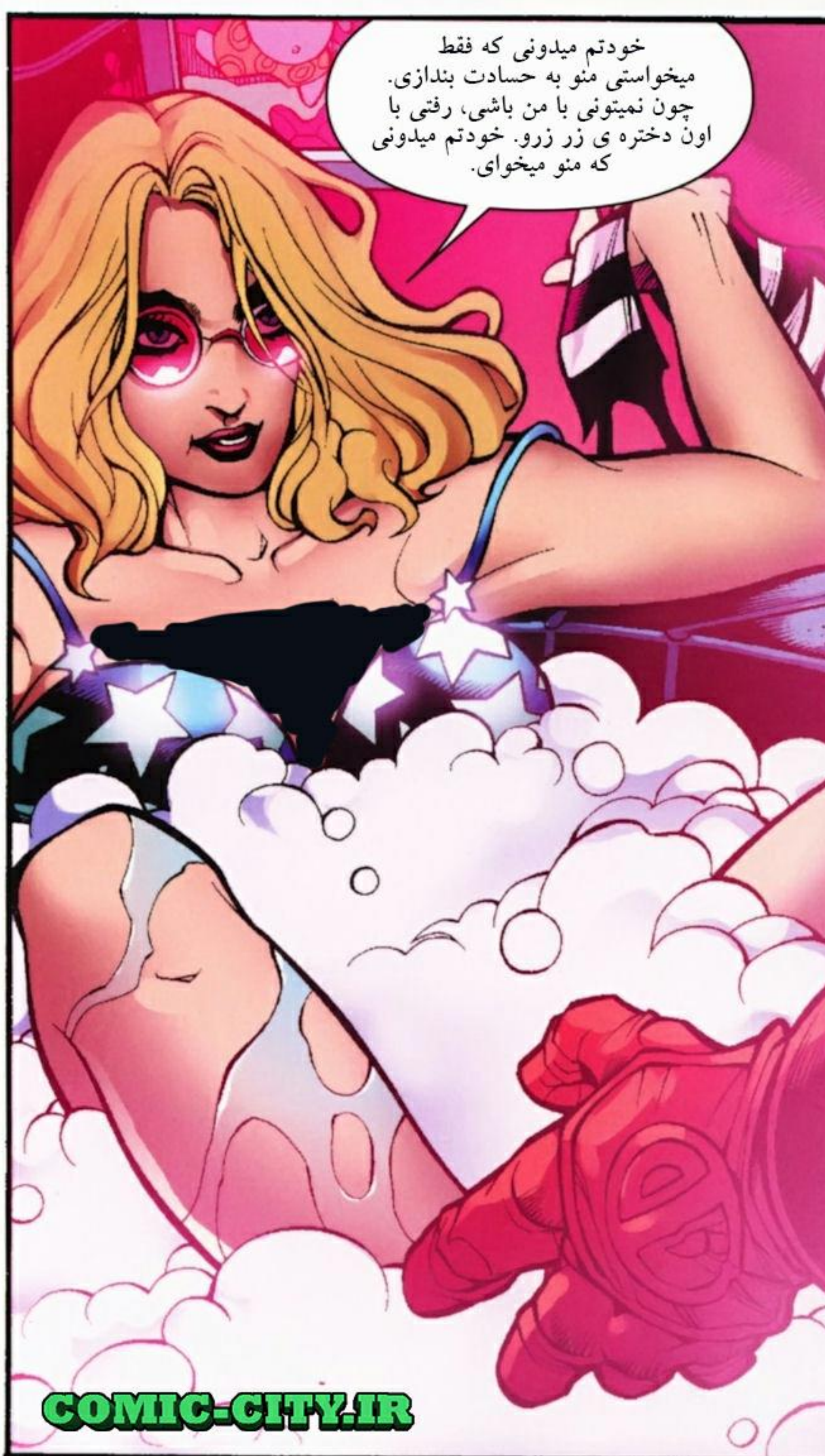
میدونی که بیل راست میگه.
نمیتونیم تا ابد اینجا پرسه
بزنیم، اینجا به ما
نمیخوره.

چرا نمیتونی مثل اون یکی
صدا پایه ی برنامه های نامردی و
خودخواهانه ی من باشی؟



هی، همین
الان با دختره
بودم! حتی سعی
هم نکن به مردونگیه
من تیکه بندازی. در
ضمن، بوی شعمش
آرامش بخشه.

پایه ی همه چی هستم به جز اون
شعمای مسخره. اینجا ددپول: پول
پرست و راجه یا ددپول: دختر
عاشق؟



خودتم میدونی که فقط
میخواستی منو به حسادت بندازی.
چون نمیتونی با من باشی، رفتی با
اون دختره ی زر زرو. خودتم میدونی
که منو میخوای.



چه شاعرانه!

به هر حال بازم نمیتونی
اینجا ول بگردی و حموم
حباب بگیری، دکتر بتی و
بیل واسه خونه رفتن بهت
نیاز دارن.

هو، پروفیسور
ورونیکا منو واسه کسی
که هستم دوست داره. گفت که
زخمام نقشه ای برای
یه تجربه ی تک نفرست،
طرح سخت
زندگی!



باشه بابا
اه! صدا های
غرغرو!



به همین خاطره که باید بریم
پروفسور ورونیکا، کار من اینجا
تموم شده و مسئولیت های دیگه ای
هم دارم.

مسئله ای نیست، فردا
صبح باهاتو به همراه یه تیم
میام که تا اونجا
بدرقتون
کنم.



گفتم مسئله ای نیست،
واقعا از کمکی که کردین
ممنونیم و میفهمیم که
باید برین.

لطفا پروفسور،
گریه نکنین. خدافظی
طولانی ای هم درکار
نیست. همینطوریش هم
خیلی سخته ... صبر
کن بینم، چی؟



ببین، فقط بخشی
از کار بود. من مدت ها
این پایین بودم. الان
دیگه تا یه مدت حالم
خوبه.

میرم آمادگی های
لازم رو برای رفتنتون
انجام بدم.

ولی من ...
تو ... ما ...



من میرم
وسایلمو جمع
کنم... خوشتیپ!

باشه،
تیکه بنداز.



صبح روز
بعد ...

به نظر صبح روزی
واسه رفتن از این جهنم
میاد.

به سلامت.
مواظب باشین.

آها، میدونستم
اگه دم این لونه موش
وایسیم بالاخره یه چیز
آبدار میاد
بیرون.



پیشبند اتون
رو ببندین پسرا!!
وقت غذاست!!

ادامه دارد ...

ترجمه شده در:

کمیک سینتی

مراجع دانشود کمیک ترجمه شده



COMIC-CITY.IR



@ComicCityIR